



پشیمان نیستم

آتش سوزی‌ها هنوز ادامه دارد و نام و عکس جوان‌هایی که برای خاموش کردن آتش به دل کوه می‌زنند و از جانشان می‌گذرند در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخد. رویا کوچک‌ترین عضو تیم کوهنوردی و البته تنها مصدوم آن روز خاص بوده است که بعد از این اتفاق ماجرای آتش سوزی را از رسانه‌ها دنبال کرده است. منطقه‌ای که آنها برای خاموش کردن آتش آن رفته بودند خاموش شده اما کوه‌های اطراف متاسفانه در آتش سوخته. «علی‌رغم همه دردها، همچنان اخبار آتش سوزی جنگل‌های زاگرس را پیگیری می‌کنم. چقدر برایم سخت بود وقتی خبر دردناک حادثه البرز زارعی را شنیدم. اشک ریختم و برای سلامتش بارها دست به دعا شدم اما تقدیر چیز دیگری بود.»

فرآیند درمان

مشکل پاهای رویا هنوز حل نشده و درگیر دکتر و بیمارستان است. روز مصاحبه را هم به خاطر همین جابه‌جا کردیم تا با زمان دکتر رفتن او تداخل نداشته باشد. رویا منتظر است تا زودتر سلامتش را به دست بیاورد و به کوهنوردی و طبیعت برگردد. «فعلا که در پروسه درمانیم. هفته‌ای یک بار باید بروم و عکسبرداری انجام شود. تا چند روز پیش که رفته بودم دکتر عکس من را نشان داد و گفت یکی از انگشت‌هایم دوباره ترک برداشته. حالا نمی‌دانم چه می‌شود. باید دوره درمان تمام شود تا ببینم چه می‌شود و نتیجه عملی که روی پایم انجام شده مشخص شود.»

از رویا می‌پرسیم مواجهه خانواده‌اش با مصدومیت او چطور بوده؟ «خانواده مخالفتی با رفتنم برای خاموش کردن آتش نداشتند. موقعی که شنیدند پایم شکسته ناراحت بودند که آسیب دیده‌ام، ولی خوشحال بودند که برای چنین کاری و در چنین راهی آسیب دیده‌ام. پیش اقوام هم تشویق می‌کردند که دخترمان به خاطر طبیعت کمی زجر کشیده، ولی در مجموع خوشحال بودند که رفتم و کمک کردم.»

احساس خودش هم نسبت به این ماجرا مثبت است. درست است که زیاد درد کشیده و هنوز درگیر دکتر و بیمارستان است، اما پشیمان نیست. «خودم هم پشیمان نیستم اصلا. اولش خیلی درد داشت، ولی با خودم می‌گفتم ارزشش را داشت.

برای چیزی رفتم که داوطلبانه بود و خودم دوست داشتم بروم. با افتخار می‌گویم اگر صدار دیگر در این راه دچار حادثه شوم. باز هم تا آخرین نفس از سرزمین پدریم دفاع می‌کنم. راستش عشق به طبیعت به گفتن نیست. باید از دامنه کوه شروع کنی و کم‌کم به اوج قلعه برسی و این تجربه شگفت‌انگیز را داشته باشی تا بدانی چه می‌گویم.»

به خاطر سنجاب‌ها و بلوط‌ها

خبر آتش سوزی جنگل‌های زاگرس برای همه مردم ناراحت‌کننده بود ولی اهالی استان‌های غربی و آنها که با این کوه‌ها خاطره داشتند بیشتر از همه نگران بودند و دغدغه خاموش کردن آتش را داشتند.

در شبکه‌های اجتماعی و اخبار می‌خواندیم مردم با دست خالی برای خاموش کردن آتش می‌روند اما برای خیلی‌ها سوال بود که آنها چطور با کمترین امکانات جلوی آتش می‌ایستند و اصلا چرا می‌روند؟

«با توجه به گرم شدن هوا، متاسفانه وقتی خبر آتش سوزی جنگل‌های زاگرس را از فضای مجازی دیدم به خاطر شور و عشقی که به محیط زیست و جنگل‌های زاگرس داشتم، همراه تعدادی از تیم کوهنوردی و فعالان محیط زیست با کمترین امکانات ممکن راهی کوه خاییز شدیم.

در واقع سرپرست گروه کوهنوردی اعلام کرد هرکس آمادگی دارد، بیايد که ما هم اعلام آمادگی کردیم. سه خانم بودیم که همراه گروهی از آقایان راهی شدیم. ما هیچ وسیله‌ای هم نداشتیم برای خاموش کردن آتش. فقط شاخ و برگ درختان بود. چندا هم چوب دستی داشتیم.»

جدال با فواره‌های آتش

«آنجا هم مثل جهنم بود. خیلی وحشتناک بود. درست مثل مرگ بود. فکر می‌کردم دیگر نمی‌توانم زنده بمانم. وقتی می‌دیدم درختان آن‌جور می‌سوختند عمق وجودم آتش می‌گرفت. نمی‌توانستم بی تفاوت باشم. به دامنه کوه خاییز که رسیدم، وسعت آتش سوزی آنقدر وحشتناک بود که واقعا ترسیدم.

اما سوختن درختان بلوط و سنجاب‌ها و کبوتران آنقدر برایم عذاب‌آور بود که با توکل به خدا حتی در سخت‌ترین نقطه‌های کوه خاییز به مبارزه با فواره‌های آتش رفتم. نقاط مختلفی از کوه دچار آتش بود. هر جا را خاموش می‌کردیم، دوباره وزش باد جایی که خاموش بود را دوباره روشن می‌کرد.» رویا جانفزا، دو روز متوالی همراه دوستان، همشهریان و فعالان محیط زیست برای خاموش کردن آتش به کوه خاییز می‌رود. همه چیز خوب پیش می‌رود تا این‌که در پایان روز دوم ساعت ۸ شب وقتی هوا دیگر تاریک شده بود زخمی می‌شود.

«متاسفانه دریکی از نقاط صعب العبور وقتی در حال خاموش کردن آتش بودم، سنگ بزرگی از بالای کوه روی پاهایم افتاد. پای چپم شکست و پای راستم به شدت زخمی شد. بدترین حال ممکن را داشتم. چندساعتی طول کشید تا من را به بیمارستان منتقل کنند.»

زاگرس، مادر ماست

روزهای اول مصدومیتش در سکوت گذشته. کسی حالش را نپرسیده، اما بعد از مدتی خبر مصدومیت دختر ۱۹ ساله پخش می‌شود و اول مسؤولان شهری از او تقدیر می‌کنند و بعد مسؤولان رده بالاتر. البته خواسته رویا فقط تقدیر و تشکر نیست.

«ما توقع حمایت از دولت داریم. ما چون پیوند عمیقی

با طبیعت داریم نمی‌توانیم منتظر باشیم که شرکتی بیايد ما را بیمه کند بعد برویم طرف آتش.» رویای بزرگ رویا، بودن همیشگی در طبیعت است. «من با طبیعت اخت گرفته‌ام و جنگل‌های زاگرس را مثل مادرم دوست دارم. فرصت ادامه تحصیل برایم مهیا نیست، ولی دوست

دارم در یکی از نهادهای حفاظتی محیط زیست یا منابع طبیعی استخدام شوم. محیط بانی شغل مورد علاقه من است. من آمادگی لازم را دارم تا همپای مردان خدمت کنم و محیط بانی را بیشتر از آنچه شغل بدانم، عشق و علاقه می‌بینم.»

سند کمیانی موتورسیکلت نامی 150CC. مدل ۹۵، رنگ قرمز، به شماره انتظامی ۵۸۲-۱۱۸۲۲، شماره موتور 0149NBE053872 و شماره تنه NBE***150S9500771 به نام علیرضا الماسی لیفگوهی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی
مدرک تحصیلی فوق دیپلم رشته کامپیوتر به شماره ۴۵۸۰۶۲ از دانشگاه آزاد واحد چیرفت به نام مهلا رئیسی فرزند احمد به ش. ش. ۷۵۰۸ با کد ملی ۳۰۳۱۸۰۷۴۰۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل سند و فاکتور فروش خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۱۳۸۴، به رنگ نقره‌ای- متالیک، به شماره انتظامی ایران ۱۴-۲۳۳-۹۸، شماره موتور 1013284000471، شماره شاسی 11807463، به نام عبدالناصر یدالهی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سایپا ۱۳۱E، مدل ۱۳۹۴، به رنگ سفید-روغنی، به شماره انتظامی ایران ۵۳-۴۹۷۹۳، شماره موتور 5416217، شماره شاسی NAS411100F1143667، به نام نفیسه طحانی زاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند خودرو سواری Arrizio 5T (AT)، مدل ۱۳۹۶، به رنگ سفید-روغنی، شماره انتظامی ایران ۷۴-۴۲۵-۴۱، شماره موتور MVME4T15BARH000696 و شماره شاسی NATFCANH9H1010187، به نام محمد سلمانی فرخد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجانب زهرا ادهمی فشتامی مالک خودرو سمند به شماره موتور 12491048563 و شماره شاسی NAACN1CMOCF205204 به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب زهرا ادهمی فشتامی مالک خودرو سمند به شماره موتور 12491048563 و شماره شاسی NAACN1CMOCF205204 به علت فقدان سند برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب آرزو طاهری، فرزند مالک، به شماره شناسنامه ۲۴۴۰ صادره از اراک در مقطع کارشناسی رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد نظری صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۱۵۸۲۷۵ و تاریخ ۸۱/۰۹/۰۵ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس ارسال فرماید.